



بیانات در آخرین دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت دهم پنجم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴ - 23 / تیر / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی جلسه‌ی خوبی بود این جلسه‌ی امروز؛ دوستان و مسئولان محترم، بخشی از تلاشهای خودشان را با زبان آمار و ارقام و شیوه‌های کاری بیان کردند. خب، این جلسه‌ی ماه رمضان که ما هر سال با مسئولان دولتی و اعضای هیئت وزیران و رئیس جمهور محترم و معاونینشان داریم، معمول ما در این جلسه، گزارش گرفتن نیست؛ یک نصیحتی، جمله‌ای از نهج البلاغه را ما معمولاً در این جلسه برای دوستان ذکر میکردیم و متبرک میشدیم به کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام).

امسال و امروز من اصرار داشتم - خودم به آقای رئیس جمهور پیشنهاد کردم - که دوستان صحبت کنند و گزارش دهند؛ چون روزهای آخر این دولت و ایام مناسبی است برای اینکه از مجموعه‌ی کارهایی که در این دولت شده - البته به‌عنوان یک نمائی، یک نمونه‌ای - گزارشی ارائه شود. و ما دوست داریم که این اظهاراتی که امروز اینجا شد، به سمع مردم عزیزمان هم برسد؛ هم خواص و کسانی که اهل فتند و آشنا هستند، مطلع شوند - چون بسیاری از این مطالبی که گفته میشود، دوستان اینها را نمیدانند؛ می‌بینیم گاهی اوقات اطلاعات کافی و وافی ندارند - هم عموم مردم مطلع شوند و بدانند؛ اگرچه برخی از کارها جلوی چشم است. البته مخالفین و کسانی که بی‌اطلاعتند - بعضی از دستگاه‌های رسانه‌ای خارجی مغرض، و گاهی بعضی در داخل - برخی از چیزهایی را که جلوی چشم هم هست، انکار میکنند. یعنی کاری انجام گرفته، جلوی چشم است، همه می‌بینند، منعکس شده، این را دوست دارند انکار کنند. کاری به این نداریم که حالا بعضی‌ها ممکن است نگاه خوشبینانه‌ای یا دوستانه‌ای یا منصفانه‌ای نداشته باشند؛ بالاخره در فضای عمومی کشور باید اینها گفته شود و ثبت شود؛ اینها بسیار مهم است.

آنچه که من امروز باید به دوستان عرض کنم، در درجه‌ی اول خداقوتی است؛ ان شاء الله که خسته نباشید. هشت سال کار کردید، تلاش کردید، کارهای خوبی انجام گرفت، تحمل زحمات کار شبانه‌روزی را شماها نشان دادید؛ یعنی دیده شد، احساس شد، همه فهمیدند که رئیس جمهور محترم و همکارانشان در دولت حجم کارشان بسیار بالا و پرشتاب نسبت به همه‌ی دوره‌های دیگر بود و هست؛ این نقطه‌ی برجسته‌ای است که نباید این را نادیده گرفت. همه‌ی کسانی که میخواهند درباره‌ی دولتها، درباره‌ی کابینه‌ها، درباره‌ی رؤسای جمهور قضاوت کنند - چه پیش خودشان، چه در منظر عموم - و نظری بدهند، خوب است به این نکته هم توجه کنند: حجم کار بالا و تلاش خستگی‌ناپذیر و اعراض از آسایشها و آسودگی‌ها و امتیازاتی که معمولاً مسئولان کشورها در دنیا دارند؛ استراحت میکنند، تفریح می‌روند، امتیاز میگیرند؛ اینها را نخواستن، ندیدن، طلب نکردن، امتیاز بزرگی است که این دولت بحمدالله از این امتیاز برخوردار بود.

یک نکته‌ی دیگر هم که در مورد این دولت در طول این هشت سال مورد نظر بود و بارها هم به آن اشاره کردم، این است که این دولت بحمدالله توانست شعارهای انقلاب را سر دست بگیرد و به آنها افتخار کند و آنها را در جامعه مطرح کند. یکی از کارهای مهمی که جبهه‌ی ضدانقلاب - چه انقلاب ما، و چه انقلابهای دیگر - در طول تاریخ و در عرض دنیا داشتند و میکردند، این بوده است که سعی کنند ارزشهای انقلاب را کم‌رنگ کنند. به اینجا هم محدود نمیشود؛ اول ارزشها را کم‌رنگ میکنند، بتدریج آنها را محو میکنند؛ اگر میدان پیدا کنند، آنها را تبدیل به ضدارزش میکنند؛ این کاری است که در دنیا معمول است؛ این را ما در تاریخ انقلابهای دنیا مشاهده میکنیم؛ و در انقلابهایی هم که زمان خود ما - در طول این عمر طولانی‌ای که ما کردیم - دیدیم و خبر شدیم، این را مشاهده کردیم. جبهه‌ی مقابل انقلاب و ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ یعنی میداند که در این رویارویی، در این هم‌آوردی، آن چیزی که توانست جبهه‌ی انقلاب را پیروز کند و جبهه‌ی ضدانقلاب را به هزیمت وادار کند، در درجه‌ی



اول این شعارها بود؛ که هرچه شعارها پرمغز و جذاب و واقعی و برای مردم مفهوم و ملموس بود، کمک آن به پیشرفت انقلاب بیشتر شد. سعی میکنند این شعارها را بتدریج محو کنند، کمرنگ کنند.

در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کمرنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط میشود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بیّنات است، محکّمات است؛ متشابهات نیست که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک کار مهمی دستشان بوده است، توصیه میکردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لبّ ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند.

این دولت این شعارها را مطرح کرد، برجسته کرد، سر دست گرفت، به آنها افتخار کرد؛ در مجامع جهانی، احساس شرم از انگیزه‌های انقلابی و از اهداف انقلابی و از شیوه‌های انقلابی نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود.

آنچه که برای خدا کردید، خدای متعال آنها را در نامه‌ی عمل شما ثبت کرده و کرام‌الکاتبین آنها را نگه داشته‌اند و بلاشک به درد شما خواهد خورد. آنچه را که شما عمل کردید، چه حالا بنده و امثال بنده ببینیم، بدانیم و تشکر کنیم، چه نبینیم، ندانیم و تشکر نکنیم، «انّ الله شاکر علیم»؛ (۱) خدا، هم میداند - علیم است - هم سپاسگزار است. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به شماها توفیق دهد.

کاری که باید بر آن همت بگذارید، این است که رشته‌ی خدمت را رها نکنید. همه‌ی تلاشها منحصر نیست در فلان وزارتخانه یا فلان مسئولیت در دولت؛ نه، صحنه‌ی کشور صحنه‌ی تلاش است، صحنه‌ی کار است، صحنه‌ی فعالیت است؛ و این کار، دو جور میتواند انجام بگیرد: متوجه اهداف انقلابی، و غیرمتوجه به اهداف انقلابی. شما چه در دولت آینده و در دولتهای آینده حضور داشته باشید، چه نداشته باشید، کاری که انجام میدهید و مسئولیتی که برعهده میگیرید - که طبعاً امثال شماها، مدیران شایسته و کارآمد، در هر بخشی از بخشها خالی از مسئولیت نمیمانند - سعی کنید آن را با توجه به اهداف انقلاب و با رویکرد هدفهای انقلاب ان شاءالله انجام دهید. خدای متعال شماها را ماجور خواهد داشت، ما هم در حد خودمان و به قدر خودمان تشکر میکنیم.

من طبق معمول همیشه مان - دیگر حالا مجال هم نیست، وقت هم نیست - یک جمله از نهج البلاغه برای شما بخوانم: «و اعلم انّ امامک طریقا ذا مسافة بعيدة و مشقة شديدة». (۲) این جزو وصایای امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (علیه السلام) است. در واقع باید گفت وصیت، صمیمانه‌ترین حرفی است که هر کسی میزند؛ چون وقتی است که دیگر انسان در عالم ماده حضور ندارد و اغراض مادی قاعدتاً یا نیستند یا بالاخره ضعیفند؛ لذا در وصیتنامه صمیمی‌ترین حرفها گفته میشود؛ آن هم وقتی که مخاطب وصیت، عزیزترین افراد نسبت به انسان است؛ فرزند انسان، آن هم فرزندی مثل امام حسن، فرزند بزرگ امیرالمؤمنین - که بلاشک احبّ افراد در دل آن بزرگوار و چشم آن بزرگوار است - مخاطب این وصیت است. البته امیرالمؤمنین فرموده‌اند که این وصیت مخصوص شما نیست، مال همه است؛ لیکن مخاطب اصلی، امام حسن است. بنابراین، این لبّ لباب کلمات و معارف و ذهنیات امیرالمؤمنین است. البته بیانات امیرالمؤمنین، هر کلمه‌اش، هر جمله‌اش حکمت است؛ مخصوص این وصیتنامه نیست. اعماق و ژرفای کلمات امیرالمؤمنین را واقعاً ماها نمیفهمیم؛ امثال ماها قادر نیستیم به آن ژرفا برسیم؛ یک چیزی را استفاده میکنیم. کسانی را ما دیدیم که هرچه حکمتشان برتر، اندیشه‌شان والاتر و عمق فکری‌شان بیشتر بود، بیشتر توانستند نکاتی را از این کلمات دریابند. نهج البلاغه یک چنین چیزی است. حالا این در نهج البلاغه، وصیت امیرالمؤمنین است.



میفرماید: بدان که پیش روی تو راهی وجود دارد که مسافت خیلی طولانی و مشقت شدیدی در آن هست. این راهی که پیش روی شما است - راه رسیدن به جزای عمل و رسیدن به قیامت - راه طولانی‌ای است. «و ائه لا غنی لك فيه عن حسن الارتیاد»؛ (۳) در يك چنین راهی، تو باید با منتهای طلب حرکت کنی - «ارتیاد» یعنی خواست، طلب، تلاش همراه با اراده و نیت - چاره‌ای نداری جز اینکه کار را جدی دنبال کنی. یعنی این راهی نیست که انسان بتواند آن را سرسری بگیرد. بله، غفلت داریم، کار را سرسری میگیریم؛ اما این سرسری گرفتن کار، از روی غفلت است. بدانیم که حقیقت قضیه چیست، و کجا داریم میرویم، و سرنوشت ابدی ما در کجا تحقق پیدا میکند و عینی میشود؛ این را اگر توجه کنیم، جدی خواهیم گرفت. لذا شما در دعای شریف کمیل - که باز از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است - ملاحظه میکنید: «و هب لی الجدّ فی خشیتک»؛ (۴) دعا میکند، از خدای متعال میخواهد که خشیت ما در مقابل پروردگار، يك خشیت جدی باشد؛ از ظاهر قلب و همین احساسات زودگذر و ناشی از عوارض زندگی نباشد؛ به معنای واقعی کلمه، انسان در مقابل پروردگار احساس خشیت کند.

«قدّر بلاغك من الرّاد مع حقّة الظّهر». (۵) حالا شما ناچارید از این راه سخت و طولانی که راه قیامت است، عبور کنید؛ شما به سمت قیامت از وسط دنیا دارید میگذرید، ناچارید از این گذرگاه ماده عبور کنید با همه‌ی لوازم این ماده، با همه‌ی خصوصیات که انسان در این محیط مادی و در فضای مادی به طور طبیعی دارد؛ بنابراین کاری که باید بکنید برای اینکه آن نهایت برای شما آسان شود و مطلوب باشد، این است: «قدّر بلاغك من الرّاد»؛ آن مقداری از توشه را که تو را به منزل برساند، تقدیر کن - یعنی اندازه‌گیری کن - بدان چقدر کار لازم داری برای اینکه بروی. این بخش اول است.

بخش دوم: «مع حقّة الظّهر»؛ بار دوش خودت را هم سبک کن. این دو تا هدایت و راهنمایی است که امیرالمؤمنین میکنند. اولاً بدان چه لازم داری برای عبور از این راه. در پاسخ اینکه ما چه لازم داریم، خودشان بیان کردند: اجتناب از محرّمات و انجام واجبات. یعنی آن اندازه‌ی لازم، و به قول پزشکان، آن دوز لازم از ذخیره‌ای که شما لازم دارید برای اینکه بتوانید این راه را طی کنید، همین واجبات است؛ این واجبات را که انجام دهید، آن مقدار لازم از ذخیره را دارید. هرچه بیشتر کردید و بر این واجبات افزودید، امکانات بیشتری خواهید داشت، استفاده‌ی بیشتر و بهره‌ی بیشتری خواهید برد. لیکن مقدار فرائضی که بر ما واجب است، آن حداقل نیازی است که ما برای عبور در این راه داریم. محرّمات هم همین جور است. یعنی اجتناب از محرّمات، حداقل آن پرهیز از آسیب‌هایی است که در این راه ممکن است برای ما پیش بیاید. بنابراین اگر از محرّمات اجتناب کردیم و واجبات را انجام دادیم، این همان پرواز مورد نظر را برای من و شما ممکن و فراهم میکند؛ چیز بیشتری لازم نیست. بعضی‌ها دنبال برخی از خصوصیاتند؛ کسی را پیدا کنند، از او ذکری بگیرند، از او ریاضتی فرا بگیرند. اینها لازم نیست؛ ریاضت شرعی، مشخص است. اگر همین نمازها را بخوانیم، درست بخوانیم، بوقت بخوانیم، ارکانش را درست به‌جا بیاوریم، با توجه بخوانیم، یا روزه را درست بگیریم - همین واجبات و فرائضی که در اختیار ما است - همینها انسان را پرواز میدهد.

و من به شما عرض بکنم؛ ما اگر چنانچه همین مقدار را انجام دهیم، خود این زمینه‌ای خواهد شد برای جذب انوار الهی به میزان زیاد. یعنی این حداقلی که برای ما لازم است، هنرش فقط این نیست که ما را قادر خواهد کرد بر این که این راه را طی کنیم؛ بلکه هنر دیگرش این است که زمینه‌ی ما را برای جذب بیشتر نور الهی و تفضل الهی فراهم خواهد کرد. وقتی انسان نماز فریضه را خوب بخواند، به طور طبیعی میل به نوافل پیدا خواهد کرد. وقتی انسان از دروغ، از غیبت، از قول به غیر علم، از تهمت، از افساد، از مال مردم خوری، از خیانت در امانت پرهیز کند، خود این، دل انسان را آماده‌ی تلقی هدایت الهی و معرفت الهی خواهد کرد؛ ما را پیش خواهد برد. این توصیه‌ی اول.

توصیه‌ی دوم هم اینکه فرمودند: «مع حقّة الظّهر»؛ بار دوش خودت را سبک کن. ماها که بارهای سنگینی را بر دوش گرفتیم، امیدواریم ان شاءالله خدای متعال توفیق دهد که بتوانیم این بارها را حمل کنیم. اگر شماها ان شاءالله



بتوانید این بارها را حمل کنید و سلامت به منزل برسانید، اجر فراوانی هم خواهد داشت. یعنی این مسئولیتهای سنگین همچنان که دغدغهی فراوانی برای خود انسان ایجاد میکند، اما از آن طرف هم اگر خوب انجام بگیرد، فضیلت بسیاری خواهد داشت. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال همه‌ی شماها را موفق و مؤید بدارد و همیشه در خدمت اسلام و در خدمت انقلاب قرار داشته باشید.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) بقره: ۱۵۸

(۲) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

(۳) همان

(۴) مفاتیح الجنان، دعای کمیل

(۵) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱